

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال دهم، شماره اول، پیاپی (۳۵)، بهار ۱۳۹۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۹

صص: ۳۷-۵۴

تخصص کمیته حسابرسی و مدیریت انتظارات

غلامرضا کرمی^{۱*}، امید فرجی^{**}، امین رحیمزاده^{***}

^{*}دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ghkarami@ut.ac.ir

^{**}استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

omid_faraji@ut.ac.ir

^{***}کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران

a.rahimzade2002@gmail.com

چکیده

با وجود افزایش سازوکارهای نظارتی بر مدیریت سود، مدیران برای تأمین انتظارات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران از سود، انگیزه دارند. از سوی دیگر، ناآگاهی افراد برون‌سازمانی نسبت به شیوه‌های مدیریت انتظارات، برخلاف آگاهی نسبت به روش‌های مدیریت سود، موجب ترغیب مدیریت به کاهش سطح انتظارات به جای افزایش میزان سود می‌شود. از آنجا که افزایش میزان و تعداد تجدیدنظرها در انتظارات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران، واکنش منفی بازار را به همراه دارد، پیش‌بینی می‌شود حضور متخصصان حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی منجر به کاهش این تجدیدنظرها شود. در این پژوهش، به بررسی رابطه تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی با مدیریت انتظارات پرداخته شده است. بدین منظور، نمونه‌ای از ۱۱۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد حضور اعضای متخصص در کمیته حسابرسی، بر احتمال رخداد مدیریت انتظارات و ایجاد اختلاف سود نامنفی حاصل از آن تأثیر نمی‌گذارد؛ اما میزان مدیریت انتظارات کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت انتظارات، تخصص کمیته حسابرسی، اختلاف سود نامنفی

مقدمه

تأمین سود مورد انتظار تحلیلگران، موضوعی است که در دهه‌های اخیر، بارها مورد پژوهش واقع شده است. شرکت‌هایی پاداش می‌گیرند که در بازارهای مالی توانسته‌اند سود مورد انتظار تحلیلگران را تأمین کنند و آنهایی جریمه می‌شوند که موفق به این امر نشده‌اند [۱۱، ۲۲]. این موضوع، اهمیت بالای راهبرد «رساندن سود اعلام شده و سود مورد انتظار تحلیلگران به هم، خواه با کاهش یا افزایش سود و یا تعدیل انتظارات تحلیلگران» و منافع و مضرات استفاده از این راهکار را نمایان می‌سازد. بدین ترتیب، از آنجا که از دست دادن سود هدف، بر قیمت سهام شرکت اثرات منفی می‌گذارد، شرکت‌ها، مدیران خود را تشویق به تأمین انتظارات تحلیلگران می‌کنند و برای انگیزه دادن به آنها، از مشوق‌های گوناگون استفاده می‌کنند؛ بنابراین مدیران برای جلوگیری از اختلاف سود منفی دارند [۱۱، ۳۱]. اختلاف سود، به صورت سود اعلام شده منهای اجماع آخرین پیش‌بینی تحلیلگران از سود، تعریف شده است [۲۹].

برای تأمین انتظارات تحلیلگران و در نتیجه، جلوگیری از اختلاف سود منفی، مدیران احتمالاً به دستکاری سود به سمت بالا (مدیریت سود افزایشی) و یا جهت‌دهی انتظارات تحلیلگران از سود، به سمت پایین (که مدیریت انتظارات نامیده می‌شود) می‌پردازند [۱۵، ۳۰]. شیوه‌های فوق را سازمان تنظیم مقررات مطبوعات مالی، اغلب «بازی‌های اختلاف سود» نامیده است [۹]. لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹]، در پژوهش خود نشان دادند مدیریت انتظارات، پیامدهای منفی برای بازار دارد.

در واقع، مدیریت انتظارات بدین صورت انجام می‌شود که چون تحلیلگران در اوایل دوره پیش‌بینی،

معمولاً پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه دارند، مدیران برای القای تعدیل رو به پایین در پیش‌بینی‌های تحلیلگران، انتظارات سود تحلیلگران را از طریق تزریق بدبینی به پیش‌بینی‌های آنها با دادن سرنخ‌های منفی یا به اصطلاح، راهنمای رو به پایین به وسیله انتشار راهنمای سود و یا از طریق مطبوعات مالی جهت‌دهی می‌کنند؛ بدین ترتیب، به تعدیل رو به پایین پیش‌بینی‌های تحلیلگران به سوی سطح قابل دسترس منجر می‌شود. راهنمای سود، حاکی از هر ابزار و یا شیوه‌ای است که مدیریت، از آن برای علامت‌دهی به بازار بهره می‌برد.

از آنجا که مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی، نظارت بر فرایند گزارشگری مالی است، تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی، برای شناختن و محدود کردن دستکاری‌های احتمالی، پیش‌بینی شده است. با این حال، مدیریت انتظارات صرفاً یک شیوه گزارشگری است و به‌طور مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر نمی‌گذارد. مدیریت انتظارات، نمونه‌ای از سوءاستفاده مدیران از اختیارات خود راجع به افشای داوطلبانه برای رسیدن به هدف کوتاه‌مدت است [۳۳].

در طول دهه گذشته، مسئولیت کمیته حسابرسی تکامل یافته است که شامل نظارت بر افشای داوطلبانه نیز شده است. این امر نشان می‌دهد کمیته حسابرسی به احتمال زیاد قادر به محدود کردن مدیریت انتظارات از طریق کاهش سوء استفاده مدیران از افشاست. باور قانون‌گذاران بر این است مسئولیت کمیته حسابرسی، به نظارت بر فرایند گزارشگری مالی (الزامی) محدود نمی‌شود، کمیته‌های حسابرسی، آخرین نگاهبان فرایند افشای مالی (اعم از الزامی و داوطلبانه) هستند. ادبیات موجود، شواهدی

حرفه‌ای در ایران، مدیران توانسته‌اند خود به‌تنهایی بیشترین تأثیر را بر افکار عمومی سرمایه‌گذاران داشته باشند؛ بنابراین، در این پژوهش، مدیریت انتظارات از طریق تغییر در پیش‌بینی‌های مدیریت از سود هر سهم سنجیده می‌شود. از آنجا که بدارد، کتورو و کورتوا [۱۳] و لین و هوانگ [۲۷]، متوجه یک ارتباط منفی بین تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی و مدیریت سود رو به بالا شدند که نشان می‌دهد نظارت یک متخصص حسابداری، به کاهش مدیریت سود منجر می‌شود، در این پژوهش، با هدف کاهش آثار منفی مدیریت انتظارات بر بازار، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حضور متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی، بروز و میزان مدیریت انتظارات را نیز کاهش می‌دهد یا نه. این پژوهش گامی برای آغاز پژوهش‌های آتی برای شناخت مدیریت انتظارات و معرفی آن به حرفه و بسط متون مرتبط است. نتایج پژوهش، فعالان امر را در بهینه‌سازی سازوکارهای نظارتی یاری می‌رساند. در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به تدوین فرضیه‌ها پرداخته می‌شود و پس از معرفی الگوها و متغیرها، آزمون فرضیه‌ها صورت می‌گیرد و در پایان، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت انتظارات

در پژوهش‌های قبل از جمله ایزدی‌نیا، ربیعی و حمیدیان [۱] و مشایخی، مهرانی، مهرانی و کرمی [۶]، شواهدی از مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، برای رسیدن به آستانه‌های سود ارائه شده است. انواع مدیریت سود، بر کیفیت سود تأثیر می‌گذارد. روش دیگر برای جلوگیری از

را درباره رابطه بین کمیته‌های حسابرسی و افشاهای داوطلبانه شرکت فراهم کرده است.

کارامانو و وافیس [۲۰] دریافتند شرکت‌ها در حضور متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، راهنمای سود مدیریت دقیق‌تری منتشر می‌کنند. به علاوه، لیو و ژوانگ [۲۸] نشان دادند دقت راهنمای سود مدیریت، با دقت پیش‌بینی تحلیلگران، رابطه مثبت، و با پراکندگی پیش‌بینی، رابطه منفی دارد. همان‌طور که ذکر شد، طبق پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از ایران، شرکت‌هایی که از خدمات متخصصان حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی، بیشتر بهره می‌برند، راهنمای سود مدیریت دقیق‌تری منتشر می‌کنند که خود به افزایش دقت پیش‌بینی تحلیلگران منجر می‌شود. افزایش دقت پیش‌بینی تحلیلگران، در نهایت به افزایش دقت در ارزیابی ریسک و بازده مورد انتظار و در نتیجه، کاهش اختلاف بین بازده مورد انتظار و بازده واقعی منجر می‌شود و از آنجا که بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران، متوسط پاداشی است که انتظار دارند در آینده کسب کنند، تمایل افراد به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود که خود، به افزایش قیمت سهام و حجم معاملات منجر می‌شود و در نهایت، به نفع سهامداران و بازار سرمایه است.

پیامدهای منفی مدیریت انتظارات بر بازار و ناآشنایی با شیوه و آثار مدیریت انتظارات در حرفه حسابداری در ایران، پژوهشگر را بر آن داشت که با توجه به اهمیت موضوع و اینکه تاکنون در ایران، پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است، به مطالعه آن پردازد. عطف به اینکه افکار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار، از آمار و ارقام و اطلاعات منتشرشده تأثیر می‌گیرد و از سوی دیگر، با توجه به نبود اطلاعات مدون مربوط به پیش‌بینی تحلیلگر

افزایش می‌یابد که به شکل خصوصی به تحلیلگران ابلاغ شده است. در واقع، مدیریت برای کاهش آثار منفی مدیریت انتظارات به‌طور خصوصی، نیاز به مدیریت انتظارات به‌طور عمومی دارد [۲۹].

ویژگی برجسته مدیریت انتظارات که آن را از مدیریت سود متمایز می‌کند، این است که از طریق شخص سومی به نام تحلیلگر انجام می‌شود که مدیر شرکت، به آنها هم به‌صورت عمومی با انتشار پیش‌بینی عمومی سود و هم به‌صورت خصوصی از طریق راهنمای سود خصوصی اطلاعات می‌دهد. ورسانو و ترومن [۳۳] نشان دادند شرکت‌ها از این دو کانال به‌جای یکدیگر استفاده می‌کنند. آنها همچنین نشان دادند مدیران، به روش‌های دیگری غیر از پیش‌بینی‌های مدیریت نیز، سعی در هدایت پیش‌بینی‌های تحلیلگران و سرمایه‌گذاران دارند.

در نگاه اول، چگونگی انتفاع مدیریت شرکت از مدیریت کردن انتظارات واضح نیست. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که اگر پیش‌بینی تحلیلگر، فقط یک برآورد از سود گزارش شده شرکت است، پس، به منزله یک‌بار اعلام سود اضافی است و در تعیین قیمت سهام در زمان اعلام سود، تأثیرگذار نخواهد بود. در پی ارتباط خصوصی با تحلیلگران، مدیریت شرکت اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. تحلیلگران، با استفاده از این اطلاعات پیش‌بینی‌های خود را تعدیل می‌کنند. همچنین، سرمایه‌گذاران که متوجه ارتباط خصوصی مدیریت با تحلیلگران هستند، به تعدیل پیش‌بینی‌ها توسط تحلیل‌گر، واکنش نشان می‌دهند و آن را حاوی اطلاعات مؤثر می‌دانند و بر اساس آن، بازده مورد انتظار خود را تعدیل می‌کنند که کاهش هزینه سرمایه را برای شرکت به‌دنبال دارد. از سوی دیگر، مدیر در زمان اعلام سود، به انتشار اطلاعات به شکل عمومی

منفی شدن اختلاف سود که مشکل فوق را ندارد، بدین‌صورت است که انتظارات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران از سود، قبل از اعلام سود واقعی، به‌سمت پایین جهت‌دهی بشود که از آن، با عنوان «مدیریت انتظارات» یاد می‌شود. شواهد متعددی را کازنیک و لو [۲۱]، فرانسیس، لافوند، السون و شیپر [۱۹] و اسکینر و اسلوان [۳۱] ارائه کرده‌اند مبنی بر اینکه، مدیران برای کاهش سطح انتظارات تحلیلگران مالی از سود، قبل از اعلام سود سالانه، سودهای کمتری را به استفاده‌کنندگان گزارش می‌دهند. ماتسوموتو [۳۰] نیز نشان داد بین موارد جهت‌دهی شده انتظارات و افزایش احتمال رسیدن به سود مورد انتظار تحلیلگران، رابطه معناداری وجود دارد. ویلیام، بیانگ و اینوساک [۳۵] دریافتند شرکت‌ها به مدیران ارشد خود، پاداش زیادی از نوع اختیار خرید سهام اعطا می‌کنند تا آنها بتوانند بدون افزایش در ارقام تعهدی غیرعادی حسابداری، انتظارات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران را قبل از اعلام سود واقعی، به سمت پایین جهت‌دهی کنند و همچنین، بتوانند به‌صورت متوالی این کار را انجام دهند.

بنابراین، مدیریت انتظارات، به‌صورت هدایت رو به پایین پیش‌بینی‌های تحلیلگران توصیف می‌شود. از نظر محیط اطلاعاتی، مدیریت انتظارات، اثر مدیران بر فرایند پیش‌بینی تحلیلگران، با دستکاری افشاهای مالی شرکت، در نظر گرفته می‌شود. باور سنتی نشان می‌دهد هم پیش‌بینی‌های خصوصی و هم پیش‌بینی‌های عمومی، برای هدایت پیش‌بینی تحلیلگران، رو به پایین، استفاده می‌شوند. مشاهده شده است مدیران برای این منظور، به شکل ویژه‌ای از پیش‌بینی‌های خصوصی بهره می‌برند. میزان سوگیری‌های عمومی، با افزایش سوگیری اطلاعاتی

شرکت، بالا رود و از سوی دیگر، تحلیلگران، پیش‌بینی‌های خود را از سود کاهش دهند. از آنجا که سرمایه‌گذاران، به پدیده رسیدن سود واقعی به انتظارات تحلیلگران، بیش از اطلاعات سود که به‌طور عمومی منتشر می‌شود اهمیت می‌دهند، مدیریت انتظارات خصوصی، به شکل مؤثرتری نسبت به مدیریت انتظارات عمومی، بر قیمت سهم پس از اعلام سود تأثیر می‌گذارد، که بدین ترتیب، مدیر در سطح بالاتری، از جانب‌داری خصوصی، نسبت به عمومی استفاده می‌کند. میزان سوگیری عمومی، با افزایش سوگیری در اطلاعاتی که مدیر به‌طور خصوصی به تحلیلگران می‌دهد، افزایش می‌یابد.

از یک‌سو، قانون افشای منصفانه که ارتباط خصوصی بین مدیران و تحلیلگران را محدود می‌کند، در کاهش سطح مدیریت انتظارات عمومی، درست به اندازه خصوصی، کاربرد دارد؛ بنابراین، اگر هزینه مدیریت انتظارات عمومی، به اندازه کافی بالا باشد (تا حدی که میزان سوگیری عمومی به اندازه کافی پایین باشد)، مدیر به‌دنبال ارتباط خصوصی با تحلیلگران در مورد هیچ‌گونه اطلاعاتی نمی‌رود. در این حالت، سطوح سوگیری‌های عمومی و خصوصی در پیش‌بینی‌ها، صفر است و در واقع مدیریت انتظارات، صفر است و انجام نمی‌شود. این نتایج، نشان‌دهنده نقش بااهمیت هزینه مدیریت انتظارات عمومی در تعیین میزان قصد مدیر در ارائه اطلاعات خصوصی به تحلیلگران و جهت‌دهی انتظارات آنهاست [۲۶].

از سوی دیگر، کیفیت سود گزارش شده، عامل مهمی در تعیین میزان و حتی وجود پاداش بازار برای شرکت‌هایی است که سود آنها بیش از پیش‌بینی

می‌پردازد [۱۶]. تفاوت بین بازده واقعی و بازده مورد انتظار، ریسک اطلاعاتی ایجاد می‌کند. اگر بازده واقعی شرکت، با بازده مورد انتظار بازار، برابر باشد، سرمایه‌گذاران این‌گونه برداشت می‌کنند که بازده واقعی، حاوی همان اطلاعاتی است که در پیش‌بینی‌های تحلیلگران وجود داشت و این بدان معناست که عدم‌تقارن اطلاعاتی، بین مدیریت و سرمایه‌گذاران وجود ندارد و شرکت از نظر اطلاعاتی، ریسکی را متوجه سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل نمی‌کند؛ بنابراین، بازار به‌عنوان پاداش، تقاضای این سهام را افزایش می‌دهد و در نتیجه، قیمت سهام نیز افزایش می‌یابد که نشان می‌دهد، مدیریت انتظارات می‌تواند یک راهبرد مؤثر برای افزایش رفاه یک مدیر باشد.

عوامل مؤثر بر مدیریت انتظارات

در تعیین میزان جانب‌داری (سوگیری) در پیش‌بینی‌های خصوصی و عمومی، هدف مدیر، حداکثرسازی قیمت سهام پس از اعلام سود، منهای هرگونه هزینه‌ای است که بر اثر فاش شدن این جانب‌داری‌ها حاصل می‌شود. مدیر، به مدیریت انتظارات عمومی، فقط در صورتی می‌پردازد که همچنین راهنمای پیش‌بینی خصوصی، به تحلیلگران ارائه کرده باشد. در واقع مدیریت انتظارات عمومی، نقش مکملی را برای مدیریت انتظارات خصوصی ایفا می‌کند.

سرمایه‌گذاران، از پیش‌بینی‌های رو به بالایی که مدیر منتشر می‌کند، این‌گونه برداشت می‌کنند که مدیر در اطلاعات خصوصی خود که به تحلیلگران ارائه کرده است، پیش‌بینی‌های رو به پایین داشته و با پیش‌بینی‌های رو به بالا به عموم، به‌دنبال جبران آثار آن است؛ یعنی از یک‌سو می‌خواهد که قیمت سهام

علاوه بر استقلال، تخصص کمیته حسابرسی نیز اغلب ویژگی مهمی برای عملکرد مؤثر آن در نظر گرفته می‌شود. استدلال شده است نظارت مؤثر کمیته حسابرسی ایجاب می‌کند اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آنها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری، حسابرسی و مالی داشته باشند. والاس، ژای و ژو [۳۴]، در پژوهشی، بازده سهام را درباره انتصاب اعضای کمیته حسابرسی بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد مادامی که اعضای جدید کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، تأثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای بر قیمت سهام خواهند گذاشت.

انتظار می‌رود تخصص در کمیته حسابرسی، مدیریت انتظارات را از طریق نظارت بر افشاهای مدیریت، محدود کند؛ اول اینکه اگر متخصص، باعث افشاهای مربوطتر و شفاف‌تر در گزارش‌های مالی گذشته شده باشد، تحلیلگران، به این افشاها اعتماد بیشتری می‌کنند و کمتر احتمال دارد برای دستیابی به اطلاعات شرکت، پیش‌بینی‌های بیش از حد خوش-بینانه، در اوایل دوره پیش‌بینی داشته باشند. در نتیجه، مدیریت نیز، اقدام به ابلاغ اطلاعات به شکل خصوصی به تحلیلگران نمی‌کند [۲۶]. ابلاغ اطلاعات به شکل خصوصی به تحلیلگران، موجب عدم استقلال آنها در فرایند پیش‌بینی‌ها می‌شود که بدین ترتیب، منافع ذی‌نفعان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، کسب این اطلاعات به وسیله تحلیلگران موجب می‌شود آنها در پیش‌بینی‌های خود دایم تجدیدنظر کنند. افزایش تعداد و میزان این تجدیدنظرها، واکنش منفی بازار را به دنبال دارد. قابل ذکر است که خوش‌بینانه‌بودن پیش‌بینی‌ها در ابتدای دوره، از آنجا که تأثیر مثبت بر بازار می‌گذارد و

تحلیلگران است. چنانچه سود گزارش شده، اخلال^۱ بیشتری داشته و مشکوک به دستکاری باشد، پاداش بازار برای رسیدن به انتظارات کاهش می‌یابد و در نهایت منفی می‌شود (یعنی جریمه می‌کند). پیش‌بینی می‌شود برای جلوگیری از این منفی‌شدن، سازوکارهای راهبری شرکتی از جمله کمیته حسابرسی هیئت‌مدیره، با نظارت بر افشاهای مدیریت، اخلال سود گزارش شده را کاهش دهد. در حالتی که سود گزارش شده، مشکوک به دستکاری نباشد، قیمت سهام، بیشتر، از اعلام سود از سوی مدیریت تأثیر می‌گیرد و در زمانی که مشکوک به دستکاری باشد، بیشتر از پیش‌بینی تحلیلگران متأثر است. این نتیجه در توضیح یافته‌های پژوهش داس، کیم و پاترو [۱۷] استفاده می‌شود مبنی بر اینکه ماهیت رابطه بین سود و مدیریت انتظارات، تابعی از ویژگی‌هایی از شرکت از جمله سابقه مدیریت در انجام دستکاری‌ها و مدیریت انتظارات و نبودن سازوکارهای راهبری شرکتی است که منعکس‌کننده میزان اخلال در سود گزارش شده است.

تخصص کمیته حسابرسی و نظارت بر افشا

مدیران برای تصحیح ارزش‌گذاری اشتباه شرکت ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی، علاوه بر افشای حداقل اطلاعات براساس استانداردهای موضوعه (افشای اجباری)، به افشای اختیاری اطلاعات در قالب پیش‌بینی‌ها، اطلاعات مالی آینده‌نگر و سایر علامت‌دهی‌ها به بازار می‌پردازند. در ضمن میزان ارائه صادقانه اطلاعات، بر تصمیمات تأثیر می‌گذارد؛ زیرا اطلاعات سوگیرانه منجر به افزایش ریسک اطلاعاتی می‌شود.

^۱ noise

لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹]، در پژوهش خود نشان دادند شرکت‌هایی که از متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی استفاده می‌کنند، با شیوه‌هایی غیر از دستکاری و مدیریت انتظارات، به سود مورد انتظار بازار خواهند رسید، ولی شرکت‌هایی که از متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی بهره نمی‌برند، محتمل‌تر است که با مدیریت سود و یا مدیریت انتظارات، به آن رسیده باشند.

ورسانو و ترومن [۳۳] نشان دادند، هرچه بازار کارا تر باشد، فرصت مدیریت انتظارات کمتر می‌شود. ژولیو [۳۶]، در پژوهش خود به این نتیجه رسید مدیران، تحت نظارت مؤثرتر سرمایه‌گذاران نهادی و تحلیلگران، به احتمال زیاد، به مدیریت کردن انتظارات، رو به پایین می‌پردازند تا مدیریت کردن سود رو به بالا.

کیم و پارک [۲۳]، در پژوهشی بررسی کردند تا چه حد مدیران از پیش‌بینی‌های سودشان به‌عنوان ابزاری برای مدیریت انتظارات یا یک شیوه ارتباطی بهره می‌برند. با بررسی روابط میان پیش‌بینی‌های سود مدیریت، پیش‌بینی‌های تحلیلگران و سودهای واقعی، پیش‌بینی‌های سود مدیریت را در سه طبقه انگیزشی دسته‌بندی کردند: (۱) مدیریت انتظارات، (۲) ارتباط، (۳) سایر انگیزه‌ها. نتایج پژوهش آنها نشان داد بخش مهمی از پیش‌بینی‌های سود مدیریت (تقریباً ۴۵ درصد)، برای انتقال اطلاعات دقیق سود به بازار منتشر می‌شود (انگیزه ارتباط). همچنین، متوجه شدند بخش مهمی از پیش‌بینی‌های سود مدیریت که برای مدیریت انتظارات انجام می‌شود، پس از قانون افشای منصفانه، افزایش یافته است.

کریشنن و ویزواناتان [۲۵] و دالیوال، نایکر و ناویسی [۱۸] به ترتیب، مشاهده کردند شرکت‌هایی که

موجب بالارفتن قیمت سهام می‌شود، مطلوب مدیریت شرکت نیز هست؛ اما تعداد و میزان تعدیل‌ها در سال‌های متوالی اگر زیاد باشد، بازار به این موضوع در درازمدت، واکنش منفی نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی، با نظارت بر افشا، مانع آن می‌شود.

دوم اینکه، کمیته حسابرسی که از متخصص بهره می‌برد، با نظارت بر اطلاعیه‌های خبری، راهنمای سود منتشرشده مدیران و ارتباطات خصوصی مدیریت با تحلیلگران طی دوره، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای سوق‌دادن انتظارات تحلیلگران به سمت پایین و به سطح قابل‌دستیابی، کاهش می‌دهد و مدیران را ترغیب می‌کند که به جای تأثیر بر انتظارات و نیل به اهداف سود، از طریق عملکرد واقعی به آن دست یابند.

از آنجا که کمیته حسابرسی، به اهمیت رسیدن به سود مورد انتظار واقف است، از مزایای آن چشم‌پوشی نمی‌کند؛ اما اجازه نمی‌دهد این پدیده، با مدیریت سود و یا مدیریت انتظارات حاصل شود. در ادبیات پژوهش، بین تخصص حسابداری، حسابرسی و مالی و اختلاف سود نامنفی که کمتر مشکوک به دستکاری است، ارتباط مثبت و معناداری گزارش شده است که نشان می‌دهد کمیته‌های حسابرسی متخصص، از مزایای رسیدن به سود هدف، چشم‌پوشی نمی‌کنند و حضور آنها، علامت^۱ به بازار درباره عملکرد آینده شرکت را تقویت می‌کند [۲۹]. در واقع بازار به سود شرکت‌هایی که از متخصص در کمیته حسابرسی استفاده می‌کنند، با دید مثبت می‌نگرد و بر این باور است که این سود، حاصل دستکاری نیست و از عملکرد واقعی شرکت حاصل می‌شود.

^۱ signal

از سود به سطحی دست‌یافتنی کاهش دهند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا در کوتاه‌مدت، و سابقه طولانی در رسیدن به انتظارات، بیشتر احتمال دارد که به پیش‌بینی‌های بدبینانه بپردازند و شرکت‌های زیان‌ده، کمتر احتمال دارد پیش‌بینی‌های بدبینانه منتشر کنند.

کاتر، تونا و وایسوکي [۱۶] مشاهده کردند تحلیلگران، به‌سرعت در پیش‌بینی‌های سود خود در پاسخ مستقیم به راهنمای سود مدیریت که منجر به اهداف قابل دستیابی می‌شود، تجدیدنظر می‌کنند. همچنین، شرکت‌هایی که به انتشار راهنمای مدیریت مبادرت می‌کنند، بیشتر احتمال دارد به پیش‌بینی‌های سود تحلیلگران رسیده باشند که نشان می‌دهد، مدیران اغلب برای اجتناب از اختلاف سود منفی، انتظارات سود تحلیلگران را به سمت پایین سوق می‌دهند.

ابوت، پارکر و پیتر [۷]، با انجام مطالعه‌ای دریافته‌اند نبود اعضای متخصص مالی در کمیته حسابداری، ارتباط معناداری با افزایش احتمال رخداد اشتباه و تقلب مالی دارد. آنها دریافته‌اند وجود کمیته حسابداری کاملاً مستقل از اعضای هیئت‌مدیره، احتمال رخداد تقلب و اشتباه مالی را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش تاروی وردی و قادری [۲] نشان می‌دهد تخصص مالی اعضای کمیته حسابداری، بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تأثیر معناداری ندارد؛ اما بررسی اثر تخصص مالی اعضای کمیته حسابداری بر مدیریت سود واقعی نشان می‌دهد تخصص مالی اعضای کمیته حسابداری بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری، تأثیر منفی دارد.

از یک متخصص حسابداری در کمیته حسابداری بهره می‌برند، حسابداری محافظه‌کارانه‌تری را ترویج می‌دهند و کیفیت اقلام تعهدی بالاتری ارائه می‌دهند، نسبت به شرکت‌هایی که از متخصص حسابداری در کمیته حسابداری استفاده نمی‌کنند.

کارامانو و وایس [۲۰]، با نظارت بر دیگر افشاهای مالی مشاهده کردند تخصص مالی در کمیته حسابداری، با تصمیم‌گیری‌ها به انتشار پیش‌بینی‌های سود و دقت پیش‌بینی‌های مدیریت، رابطه مثبت و معنادار دارد.

کوه، ماتسوموتو و راجکوپال [۲۴] متوجه شدند استفاده از مدیریت انتظارات، پس از قانون ساربنز-آکسلی، به سبب مدیریت سود محدودشده، افزایش یافته است؛ درحالی‌که بارتوف و کوهن [۱۲]، متوجه کاهش در مدیریت انتظارات شدند و اینکه نتایج آنها مربوط به حاکمیت شرکتی قوی‌تر پس از قانون ساربنز-آکسلی می‌شود.

برن هارت و کامپلو [۱۴]، بیان می‌کنند مدیریت، پیش‌بینی‌های تحلیلگر را به‌خصوص در نزدیکی اعلام سود، با انتشار راهنمای سود، به سمت پایین هدایت می‌کند که احتمالاً چنین راهنمایی را نمی‌توان به کسب اطلاعات جدید نسبت داد.

تیان [۳۲] نشان داد مدیریت انتظارات، به سودمندی پیش‌بینی‌های تحلیلگر در ارزش‌گذاری شرکت، لطمه وارد می‌کند و توانایی معیارهای ارزش ذاتی را برای پیش‌بینی ارزش شرکت کاهش می‌دهد.

بیک و ژیانگ [۸] در پژوهشی با عنوان «استفاده از پیش‌بینی‌های مدیریت برای تعدیل انتظارات تحلیلگران» نشان دادند سوگیری بدبینانه فراگیری در پیش‌بینی‌های مدیریت وجود دارد؛ در نتیجه، مدیریت با موفقیت باعث می‌شود تحلیلگران، انتظارات خود را

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و بازه زمانی آن، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است. نمونه، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

۱- تا پایان اسفند ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

۲- طی سال‌های مورد مطالعه، اطلاعات ترکیب کمیته حسابرسی و تغییرات آن را منتشر کرده باشند و به‌طور کل، داده‌های مورد نیاز برای استخراج متغیرهای پژوهش، در طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ موجود باشند؛

۳- در طی دوره پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛

۴- سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد؛

۵- در گروه شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی به سبب ماهیت خاص فعالیت نباشند.

توجه به معیارهای ذکرشده، به انتخاب ۱۱۲ شرکت به‌عنوان جامعه غربال‌شده این پژوهش منجر شد و با توجه به دوره زمانی پژوهش، تعداد ۵۶۰ شرکت-سال، مدنظر قرار گرفت. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، اطلاعات واقعی، تاریخی و پیش‌بینی است که از سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران، کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار تهران و اطلاعیه‌های ارائه‌شده در تارنمای اطلاع-رسانی ناشران بورسی (کدال) استفاده شده است.

پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی است و از نظر رویکرد نظری-معرفت-

پژوهش جامعی و رستمیان [۳] نشان می‌دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت و با پراکنندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباط منفی دارد.

سلیمانی امیری و فصیحی [۴]، در پژوهشی به بررسی رابطه استقلال و سطح تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. نتایج نشان داد استقلال کمیته حسابرسی، با مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار و منفی دارد؛ ولی سایر ابعاد کمیته، رابطه معناداری با مدیریت سود تعهدی ندارند. با بررسی رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی، مشخص شد فقط سطح تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، رابطه معناداری با مدیریت سود واقعی دارد.

طالب‌نیا، وکیلی فرد و شهبواری [۵] در مطالعه‌ای که در بورس اوراق بهادار تهران انجام شد، نشان دادند بین وجود کمیته حسابرسی و جذب اعتماد سرمایه‌گذاران، تعداد معاملات، حجم معاملات و بازده سهام، رابطه وجود دارد؛ در نتیجه سرمایه‌گذاران با اعتماد بیشتری در این‌گونه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین و بررسی و آزمون شده است:
فرضیه ۱: بین استفاده از متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی و بروز مدیریت انتظارات، رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه ۲: بین استفاده از متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی و میزان مدیریت انتظارات، رابطه منفی وجود دارد.

عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌گیرد. محاسبه اختلاف سود نامنفی، بدین دلیل است که در واقع، شرکتی که به سود پیش‌بینی شده نرسیده، پس درگیر مدیریت انتظارات نشده است [۲۹].

برای آزمون اولین فرضیه، یک الگوی رگرسیون لجستیک برای آزمون بروز، به شرح رابطه (۱) برآورد شده است:

$$\text{رابطه (۱)} \quad \Pr(\text{EXM}=1 | \text{MBE}=1) = F(\gamma_0 + \gamma_1 \text{AEXP} + \gamma_2 \text{MVE} + \gamma_3 \text{MTB} + \gamma_4 \text{FE} + \gamma_5 \text{LOSS} + \gamma_6 \text{NOA} + \varepsilon)$$

و برای آزمون دومین فرضیه، یک الگوی رگرسیون OLS برای آزمون میزان مدیریت انتظارات، به شرح رابطه (۲) برآورد شده است:

$$\text{رابطه (۲)} \quad (\text{WLKDN}=1 | \text{MBE}=1) = \lambda_0 + \lambda_1 \text{AEXP} + \lambda_2 \text{MVE} + \lambda_3 \text{MTB} + \lambda_4 \text{FE} + \lambda_5 \text{LOSS} + \lambda_6 \text{NOA} + \varepsilon$$

از آنجا که تعریف و شیوه اندازه‌گیری متغیرهای وابسته هر دو الگو، پیش از این توضیح داده شده است، در ادامه به تعریف سایر متغیرها پرداخته می‌شود.

تعریف سایر متغیرها

متغیر مستقل

AEXP: اگر شرکت، از حداقل دو نفر متخصص حسابداری و یا مالی با مدرک حداقل کارشناسی ارشد، در کمیته حسابرسی استفاده کند، یک و در غیر این صورت، صفر می‌گیرد. با توجه به اینکه تعداد اعضای تقریباً همه کمیته‌های حسابرسی در ایران، ۳ نفر است، برای اکثریت پیدا کردن نظر متخصصان، تعداد آنها در این پژوهش، حداقل ۲ نفر در نظر گرفته شده است.

متغیرهای کنترل

MVE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای هر دوره یک‌ساله

شناسی، در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است و از منظر روش پژوهش، جزو تحلیل‌های آماری با استفاده از داده‌های ثانویه است. برای آزمون فرضیه اول، از رگرسیون لجستیک و برای آزمون فرضیه دوم، از داده‌های تلفیقی و رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار stata^{۱۴} بهره گرفته شده است.

الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، متغیرها به صورت زیر اندازه‌گیری و از الگوهای زیر استفاده شده است:

اندازه‌گیری مدیریت انتظارات

برای بررسی بروز مدیریت انتظارات، از یک متغیر مجازی (EXM) بهره برده شده است. بدین صورت که اگر اولین پیش‌بینی سود مدیریت، بیش از سود واقعی هر سهم و آخرین پیش‌بینی مدیریت از سود، مساوی یا کوچک‌تر از سود واقعی هر سهم برای دوره یک‌ساله باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر قرار داده می‌شود [۱۱].

مانند براون و پینلو [۱۵]، نحوه اندازه‌گیری میزان مدیریت انتظارات (WLKDN) بدین صورت است: آخرین پیش‌بینی مدیریت از اولین پیش‌بینی کسر و با کل دارایی‌ها در آغاز دوره، همگن^۱ می‌شود و در ۱۰۰۰ نیز ضرب می‌شود.

اندازه‌گیری اختلاف سود نامنفی

اختلاف سود نامنفی، یک متغیر مجازی (MBE) در نظر گرفته شده و به صورت زیر کدگذاری شده است: اگر سود واقعی هر سهم، مساوی یا بزرگ‌تر از آخرین پیش‌بینی مدیریت برای دوره یک‌ساله باشد،

^۱ Scale

بازار به ارزش دفتری (MTB)، قدرمطلق خطای پیش‌بینی (FE) و زیان شرکت‌ها (LOSS) کنترل می‌شود که ممکن است مرتبط با انگیزه‌های مدیران برای نیل به پیش‌بینی‌های تحلیلی‌گران باشد. خالص دارایی‌های عملیاتی (NOA) نیز برای کنترل محدودیت‌های مدیریت سود، به‌مانند بارتون و سیمکو [۱۰] مد نظر قرار گرفته است؛ زیرا محدودیت‌های مدیریت سود به احتمال زیاد بر استفاده از مدیریت انتظارات تأثیر می‌گذارند.

مشابه براون و پینلو [۱۵]، آزمون‌های بروز و میزان مدیریت انتظارات، به اختلاف سود نامنفی مشروط شده و به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

MBE: اگر سود واقعی هر سهم، مساوی یا بزرگتر از آخرین پیش‌بینی مدیریت در هر دوره یک‌ساله باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر می‌پذیرد.

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت در ابتدای هر دوره یک‌ساله
 FE: قدرمطلق خطای پیش‌بینی که بدین‌صورت محاسبه می‌شود: اولین پیش‌بینی مدیریت منهای سود واقعی هر سهم در هر دوره یک‌ساله، که با قیمت سهم در ابتدای هر دوره همگن می‌شود.
 LOSS: اگر شرکت در دوره یک‌ساله قبل، زیان گزارش کرده باشد، یک و در غیر این صورت، صفر می‌گیرد.

NOA: خالص دارایی‌های عملیاتی که بدین صورت محاسبه می‌شود: حقوق صاحبان سهام منهای وجه نقد و اوراق بهادار قابل داد و ستد، به‌علاوه کل بدهی‌ها که به‌طور کل بر اساس فروش در هر دوره یک‌ساله همگن شده است.

مطابق پژوهش لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹]، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (MVE)، نسبت ارزش

یافته‌های پژوهش

نگاره ۱- نتایج تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد مشاهدات (شرکت - سال)	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه
میزان مدیریت انتظارات (WLKDN)	۵۶۰	-۰/۱۰	۰/۰۰	۰/۴۴	-۱/۴۸
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (MVE)	۵۶۰	۲۷/۵۷	۲۷/۳۷	۳۱/۱۶	۲۴/۹۹
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB)	۵۶۰	۲/۷۶	۲/۱۴	۷/۵۰	۰/۴۵
قدرمطلق خطای پیش‌بینی (FE)	۵۶۰	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۳۹	۰/۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی (NOA)	۵۶۰	۱/۵۹	۱/۲۵	۴/۷۸	۰/۴۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره ۲- نتایج تحلیل فراوانی داده‌های کیفی پژوهش

درصد	فراوانی	پاسخ	تعداد مشاهدات (شرکت - سال)	نام متغیر
۱۰	۵۸	گزارش زیان (۱)	۵۶۰	زیان شرکت در سال قبل (LOSS)
۹۰	۵۰۲	عدم گزارش زیان (۰)		
۳۱	۱۷۵	حضور (۱)	۵۶۰	متخصص در کمیته حسابرسی (AEXP)
۶۹	۳۸۵	عدم حضور (۰)		
۱۴	۸۰	بروز (۱)	۵۶۰	مدیریت انتظارات (EXM)
۸۶	۴۸۰	عدم بروز (۰)		
۵۶	۳۱۳	رخداد (۱)	۵۶۰	اختلاف سود نامنفی (MBE)
۴۴	۲۴۷	عدم رخداد (۰)		

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

یکی از شرط‌های لازم برای دقت نتایج به دست آمده با روش رگرسیون لجستیک، فقدان هم‌بستگی میان متغیرهای مستقل الگوست. از آنجا که متغیرهای مستقل الگو، همبستگی بسیار قوی با یکدیگر ندارند، امکان تخمین ضرایب الگو، با استفاده از رگرسیون لجستیک وجود دارد. همچنین، در رگرسیون لجستیک، محدودیت نرمال بودن متغیرهای مستقل و برابری واریانس‌های دو گروه وجود ندارد. در این الگو کافی است مشخص شود پدیده مورد نظر اتفاق افتاده است یا نه.

آماره والد برای هر یک از ضرایب، نشان‌دهنده معناداری ضریب مربوطه است. این آماره دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی یک است. همان‌طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، سطح معناداری فقط برای ضریب متغیر قدر مطلق خطای پیش‌بینی، کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین این ضریب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است.

طی بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که ۶۱ درصد از شرکت‌ها در طی دوره پژوهش، حداقل برای یک دوره از متخصصان حسابداری و یا مالی در کمیته حسابرسی بهره برده‌اند، هرچند که این آمار، برای شرکت-سال‌های مدنظر پژوهش ۳۱ درصد است. در ۵۶ درصد شرکت-سال‌های مدنظر پژوهش، اختلاف سود نامنفی گزارش شده است. با این حال، از شرکت-سال‌هایی که از متخصص بهره برده‌اند، ۶۸ درصد آنها، اختلاف سود نامنفی گزارش کرده‌اند. این افزایش در زمان حضور متخصص، همان‌طور که ادبیات پژوهش پیش‌بینی کرده بود، به سبب توجه بیشتر این متخصصان به اهمیت اختلاف سود نامنفی و کمک به مدیریت شرکت برای ایجاد این اختلاف سود به شیوه‌هایی غیر از مدیریت سود و مدیریت انتظارات حاصل شده است. همچنین، ۶۵ درصد مواردی که مدیریت انتظارات رخ داده است، در حالتی بوده که کمیته حسابرسی از متخصص حسابداری بهره برده است. ۳۵ درصد شرکت-سال‌ها، نیز روند بدبینانه در پیش‌بینی سود داشته‌اند.

نگاره ۳- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره Z	آماره Wald	سطح معناداری
C	-۰/۰۳	۱/۳۹	-۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۹۸
AEXP	۰/۱۵	۰/۱۵	۱/۰۴	۱/۰۸	۰/۳۰
MVE	-۰/۰۳	۰/۰۵	-۰/۶۶	۰/۴۴	۰/۵۱
MTB	-۰/۰۵	۰/۰۴	-۱/۲۷	۱/۶۱	۰/۲۰
FE	-۱/۵۶	۰/۷۶	-۲/۰۶	۴/۲۴	۰/۰۴
LOSS	۰/۲۷	۰/۲۳	۱/۲۰	۱/۴۴	۰/۲۳
NOA	-۰/۰۴	۰/۰۷	-۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۵۷

آماره χ^2	سطح معناداری آماره χ^2	R^2 مک فادن
۴۲/۵۱	۰/۰۰	۰/۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

تعیین میزان نیکویی برازش الگوی برآوردشده

الف) آماره کای دو که مقدار این آماره برابر ۴۲/۵۱ به دست آمده است. احتمال آماره کای دو که مقدار آن برابر ۰/۰۰ و در نتیجه کمتر از ۰/۰۵ است، نشان‌دهنده رد شدن فرض صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب متغیرهای مستقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد است، در نتیجه، رگرسیون معنادار است. ب) آماره شبه R^2 یا R^2 مک فادن، که در الگوی تخمین زده شده، برابر ۰/۰۷ به دست آمده است که برای رگرسیون لجستیک، عدد قابل قبولی است.

تفسیر ضرایب

همان‌گونه که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، فقط متغیر قدرمطلق خطای پیش‌بینی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با متغیر بروز مدیریت انتظارات، رابطه معکوس (منفی) و معنادار دارد.

ضریب متغیر قدرمطلق خطای پیش‌بینی در الگوی تخمین زده شده، برابر با (-۱/۵۶) است؛ یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در قدرمطلق خطای پیش‌بینی، لگاریتم احتمال رخداد

مدیریت انتظارات به احتمال عدم رخداد آن، به‌طور متوسط، ۱/۵۶ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین، قدرمطلق خطای پیش‌بینی، بروز مدیریت انتظارات را، به‌طور معکوس متأثر می‌سازد و نحوه تأثیرگذاری آن بر احتمال بروز مدیریت انتظارات، با نظریه مطابقت دارد.

در ایران، از آنجا که مدیران در مقابل انحراف سود واقعی از سود پیش‌بینی، با جرایم قانونی روبه‌رو نمی‌شوند، تمایل به انتشار خوش‌بینانه سود دارند. اگر پیش‌بینی سود مدیران، از دیدگاه سرمایه‌گذاران در بازار، معتبر و مورد توجه باشد، حداقل در کوتاه‌مدت، باعث افزایش قیمت سهام می‌شود. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند مدیران، انگیزه زیادی به افشاهایی دارند که قیمت سهام را بالا ببرد. علاوه بر این، اخبار خوب درباره دورنمای سودآوری آتی شرکت، در متقاعد کردن ذی‌نفعان، به مدیران کمک می‌کند تا موقعیت شغلی خوبی داشته باشند. با در نظر گرفتن موارد فوق، احتمال دارد پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه، منافع زیادی برای مدیرانی که در سال گذشته، عملکرد آنها ضعیف بوده در بر داشته باشد.

پژوهش مبنی بر اینکه «بین استفاده از متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی و بروز مدیریت انتظارات، رابطه منفی وجود دارد» رد می‌شود. نتایج فوق، با نتایج پژوهش لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹] مطابقت ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

با توجه به نگاره (۴)، مقدار آماره VIF به عدد ۱ نزدیک است؛ بنابراین فرض عدم همبستگی متغیرهای توضیحی برقرار است. نتایج آزمون وایت نیز نشان می‌دهد، مشکل ناهمسانی واریانس خطاها دیده نمی‌شود. با توجه به نتایج آزمون لیمر، روش مناسب برای برآورد الگوی مورد بررسی، در طبقه تلفیقی قرار دارد. لازم به ذکر است که طی این پژوهش، شاخص سال-صنعت نیز کنترل شده است. نتیجه آزمون الگوی مذکور با استفاده از روش داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در نگاره (۴) ارائه شده است.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شرکت‌هایی که سوابق ضعیف دارند و اقبال چندانی از طرف بازار به آنها نمی‌شود و یا اینکه سود آنها فاصله زیادی با پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه اول دوره دارد، چندان تمایلی به انتشار راهنمای سود و مدیریت انتظارات ندارند، چراکه اختلاف زیاد عملکرد واقعی و پیش‌بینی‌های اول دوره، با این شیوه‌ها قابل جبران نیست و بهتر است که درگیر مدیریت انتظارات نشوند؛ زیرا فاش شدن این جانبداری، برای شرکت، هزینه دارد و بازار، به افزایش میزان تعدیل‌ها و تعداد آنها، واکنش منفی نشان می‌دهد. این‌گونه است که پیش‌بینی می‌شود با افزایش قدرمطلق خطای پیش‌بینی، مدیریت، کمتر درگیر کاهش انتظارات شود. سطح معناداری متغیر حضور متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی در الگوی تخمین زده شده، تقریباً برابر با (۰/۳۰) است؛ بنابراین، حضور متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، احتمال رخداد (بروز) مدیریت انتظارات نسبت به عدم رخداد (بروز) آن را متأثر نمی‌سازد؛ بنابراین، فرضیه اول این

نگاره ۴- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

عنوان متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
C	-۱/۱۹	۰/۳۱	-۳/۸۱	۰/۰۰	-
AEXP	-۰/۱۰	۰/۰۴	-۲/۸۷	۰/۰۰	۱/۱۷
MVE	۰/۰۴	۰/۰۱	۳/۶۴	۰/۰۰	۱/۷۵
MTB	-۰/۰۲	۰/۰۰	-۲/۶۲	۰/۰۰	۱/۲۶
FE	-۱/۱۲	۰/۲۱	-۵/۳۶	۰/۰۰	۱/۳۳
LOSS	۰/۱۹	۰/۰۶	۳/۳۰	۰/۰۰	۱/۲۵
NOA	۰/۰۱	۰/۰۱	۱/۲۱	۰/۲۳	۱/۳۸
آماره F	۴/۰۶	سطح معناداری آماره F	۰/۰۰	ضریب تعیین	۰/۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه گیری

این پژوهش، به بررسی تأثیر استفاده از متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی بر بروز و میزان مدیریت انتظارات پرداخته است. رد شدن فرضیه اول نشان می‌دهد حضور متخصصان حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی، بر احتمال رخداد مدیریت انتظارات نسبت به عدم رخداد آن تأثیر نمی‌گذارد. به نظر می‌رسد اعضای متخصص کمیته حسابرسی در محیط این پژوهش، با شیوه‌های متنوع جهت‌دهی به انتظارات و تأثیر گذاشتن بر بازار به وسیله مدیریت چندان آشنا نیستند و یا توان اعمال نظارت و تخصص خود بر تمامی این شیوه‌ها را ندارند و نمی‌توانند مانع بروز آن شوند. از سوی دیگر، نتایج فرضیه دوم، بیان‌کننده رابطه منفی و معنادار استفاده از متخصص در کمیته حسابرسی و میزان مدیریت انتظارات است. بدان معنا که در حضور متخصص در کمیته حسابرسی، میزان مدیریت انتظارات کاهش می‌یابد. از آنجا که برای اندازه‌گیری میزان مدیریت انتظارات، از پیش‌بینی‌ها استفاده شده است، واضح است که این اقلام می‌تواند به راحتی تحت نظارت قرار گیرد؛ هرچند که مدیریت می‌تواند از ابزارهای دیگری استفاده کند. این نتایج، مطابق با ادبیات پژوهش است. نتایج این پژوهش، مشابه پژوهش لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹] است که بیان می‌کند تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، با محدود کردن افشاهای داوطلبانه مدیران، تأثیر مدیران بر پیش‌بینی‌های تحلیلگران و بدین ترتیب، مدیریت انتظارات را کاهش می‌دهد و به حفظ استقلال فرایندهای پیش‌بینی تحلیلگران کمک می‌کند. همچنین، نتایج این پژوهش، با پژوهش‌های ذیل همخوانی دارد: پژوهش لین و هوآنگ [۲۷] که نشان

طبق نگاره (۴)، نتایج آزمون فرضیه دوم، سطح معناداری آماره F را کمتر از سطح خطای قابل پذیرش نشان می‌دهد؛ از این رو، کل الگوی رگرسیونی معنادار است. مشاهده می‌شود رابطه متغیر حضور متخصص در کمیته حسابرسی و میزان مدیریت انتظارات، در سطح خطای ۵ درصد، منفی و معنادار است. این موضوع نشان می‌دهد استفاده از متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، میزان مدیریت انتظارات را که مدیریت شرکت، برای رسیدن به اختلاف سود نامنفی به دنبال آن است، کاهش می‌دهد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش که بدین صورت بیان شد که «بین استفاده از متخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی و میزان مدیریت انتظارات، رابطه منفی وجود دارد» تأیید می‌شود.

سطح معناداری همه متغیرهای کنترلی غیر از خالص دارایی‌های عملیاتی، کمتر از ۵ درصد است که بیان‌کننده رابطه معنادار این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با میزان مدیریت انتظارات است. جهت رابطه متغیرهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، قدرمطلق خطای پیش‌بینی و زیان شرکت در سال قبل، مطابق انتظار است و با پژوهش‌های براون و پینلو [۱۵]، و لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹] همخوانی دارد؛ اما درباره متغیر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، برای رابطه، خلاف انتظار است و با پژوهش لیو، تیراس و ژوانگ [۲۹] و براون و پینلو [۱۵]، مغایرت دارد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده الگوی برازش‌شده، حدود ۲۳ درصد است، به این معنا که ۲۳ درصد از تغییرپذیری در میزان مدیریت انتظارات را می‌توان با کمک رگرسیون توضیح داد.

با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش، هر یک از موارد ذیل می‌تواند موضوعات پژوهشی باشد و کنکاش شود:

- مدیران، در سه‌ماهه‌های مختلف یک سال مالی، بیشتر علاقه‌مند هستند به کدام روش (مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی، مدیریت سود واقعی و یا مدیریت انتظارات)، به اهداف سود دست یابند و چرا.
- کدام شیوه‌های جبران خدمات مدیران، به ترتیب اولویت، بیشترین انگیزه را برای مدیران، برای ورود به بازی‌های اختلاف سود ایجاد می‌کنند.
- تعامل بین حاکمیت شرکتی و فشار شرکت برای رسیدن به اهداف سود بررسی شود.

منابع

- ۱- ایزدی‌نیا، ناصر، ربیعی، حامد و نرگس حمیدیان. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره اول، صص ۳۳-۵۴*.
- ۲- تاری وردی، یداله و صلاح‌الدین قادری. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه‌مدت مدیران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۵۸-۱۳۵*.
- ۳- جامعی، رضا و آزاده رستمیان. (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی‌شده. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۷-۱*.

دادند بین تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی و مدیریت سود، ارتباط منفی وجود دارد. پژوهش کارامانو و وافیس [۲۰]، که بیان‌کننده نظارت متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی، بر افشاهای مدیریت شرکت است که به انتشار راهنمای سود مدیریت دقیق‌تری منجر می‌شود. پژوهش بارتوف و کوهن [۱۲] که نشان دادند کاهش در مدیریت انتظارات، مربوط به حاکمیت شرکتی قوی‌تر پس از قانون ساربنز- آکسلی می‌شود. به‌طور خلاصه، نتایج نشان می‌دهد تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای تأثیر بر شیوه‌های شناخته‌شده افشای شرکت و فرایند پیش‌بینی تحلیلگران کاهش می‌دهد.

محدودیتی که این پژوهش با آن روبه‌رو بوده است، نبود اطلاعات مدون درباره پیش‌بینی‌های تحلیلگران حرفه‌ای در ایران بود که به ناچار و با توجه به ادبیات پژوهش، برای بررسی مدیریت انتظارات، از پیش‌بینی‌های مدیریت از سود هر سهم استفاده شد. در راستای نتایج پژوهش، توصیه می‌شود فعالان بازار سرمایه و حساب‌رسان مستقل، به سود شرکت‌هایی که فقط انتظارات را پوشش می‌دهند و یا اندکی از آن متجاوز است، با تردید بیشتری بنگرند. ضمن پیشنهاد تشکیل کمیته‌های تخصصی افشا در شرکت‌ها، بهتر است کمیته‌های حسابرسی موظف شوند نظرات خود را درباره افشاهای به‌ویژه داوطلبانه شرکت، به صورت گزارشی جامع به عموم ارائه کنند. در پایان، با توجه به نتایج پژوهش، به قانون‌گذاران توصیه می‌شود، برای افزایش توان نظارتی، کمیته‌های حسابرسی را ملزم به به‌کارگیری متخصصان حسابداری و مالی در ترکیب خود کنند.

- Accounting and Economics, Vol. ۳۳, No. ۲, Pp. ۱۷۳-۲۰۴.
- ۱۲- Bartov, E.D. and D.A.N. Cohen. (۲۰۰۹). The "Numbers Game" In The Pre-and Post-Sarbanes-Oxley Aras. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. ۲۴, No. ۴, Pp. ۵۰۵-۵۳۴.
- ۱۳- Bedard, J., Chtourou, S.M. and L. Courteau. (۲۰۰۴). The Effect of Audit Committee Expertise, Independence, and Activity on Aggressive Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. ۲۳, No. ۲, Pp. ۱۳-۳۵.
- ۱۴- Bernhardt, D. and M. Campello. (۲۰۰۷). The Dynamics of Earnings Forecast Management. *Review of Finance*, Vol. ۱۱, No. ۲, Pp. ۲۸۷-۳۲۴.
- ۱۵- Brown, L. and A.S. Pinello. (۲۰۰۷). To What Extent Does The Financial Reporting Process Curb Earnings Surprise Games?. *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۵, No. ۵, Pp. ۹۴۷-۹۸۱.
- ۱۶- Cotter, J., Tuna, I. and P.D. Wysocki. (۲۰۰۶). Expectations Management and Beatable Targets: How Do Analysts React to Explicit Earnings Guidance?. *Contemporary Accounting Research*, Vol. ۲۳, No. ۳, Pp. ۵۹۳-۶۲۴.
- ۱۷- Das, S., Kim, K. and S. Patro. (۲۰۱۱). An Analysis of Managerial Use and Market Consequences of Earnings Management and Expectation Management. *The Accounting Review*, Vol. ۸۶, No. ۶, Pp. ۱۹۳۵-۱۹۶۷.
- ۱۸- Dhaliwal, D., Naiker, V. and F. Navissi. (۲۰۱۰). The Association Between Accruals Quality and the Characteristics of Accounting Experts and Mix of Expertise on Audit Committee. *Contemporary Accounting Research*, Vol. ۲۷, No. ۳, Pp. ۱-۴۱.
- ۱۹- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. and K. Schipper. (۲۰۰۳). Earnings Quality and the Pricing Effects of Earnings Patterns. Available at SSRN ۴۱۴۱۴۲.
- ۲۰- Karamanou, I. and N. Vafeas. (۲۰۰۵). The Association Between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۳, No. ۳, Pp. ۴۵۳-۴۸۶.
- ۲۱- Kasznik, R. and B. Lev. (۱۹۹۵). To Warn or Not to Warn: Management Disclosures
- ۴- سلیمانی امیری، غلامرضا و صغری فصیحی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، دوره دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۴، صص ۳۴-۱۵.
- ۵- طالب‌نیا، قدرت‌اله، وکیلی‌فرد، حمیدرضا و منصوره شهسوار. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر جلب نظر سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۴۸-۳۵.
- ۶- مشایخی، بیتا، مهران، ساسان، مهران، کاوه و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۷۴-۶۱.
- ۷- Abbott, J.L., Parker, S. and P.F. Gray. (۲۰۰۲). Audit Committee Characteristics and Financial Misstatement: A Study of the Efficacy of Certain Blue Ribbon Committee Recommendations. Working Paper, University of Memphis, Santa Clara University and University of Georgia.
- ۸- Baik, B. and G. Jiang. (۲۰۰۶). The Use of Management Forecasts to Dampen Analysts' Expectations. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. ۲۵, No. ۵, Pp. ۵۳۱-۵۵۳.
- ۹- Barsky, N. (۲۰۰۲). The Market Game. *Wall Street Journal*, May ۸, A.۱۸.
- ۱۰- Barton, J. and P. Simko. (۲۰۰۲). The Balance Sheet as an Earnings Management Constraint. *The Accounting Review*, Vol. ۷۷, No. S-۱, Pp. ۱-۲۷.
- ۱۱- Bartov, E., Givoly, D. and C. Hayn. (۲۰۰۲). The Rewards to Meeting or Beating Earnings Expectations. *Journal of*

- Expertise, Expectations Management, and Nonnegative Earnings Surprises. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. ۳۳, No. ۲, Pp. ۱۴۵-۱۶۶.
- ۳۰- Matsumoto, D. (۲۰۰۲). Management's Incentives to Avoid Negative Earnings Surprises. *The Accounting Review*, Vol. ۷۷, No. ۳, Pp. ۴۸۳-۵۱۴.
- ۳۱- Skinner, D. and R. Sloan. (۲۰۰۲). Earnings Surprises, Growth Expectations, and Stock Returns or Don't Let An Earnings Torpedo Sink Your Portfolio. *Review of Accounting Studies*, Vol. ۷, No. ۲-۳, Pp. ۲۸۹-۳۱۲.
- ۳۲- Tian, Y. (۲۰۰۷). *The Impact of Earnings Management and Expectations Management on The Usefulness of Earnings and Analyst Forecasts In Firm Valuation*. A Thesis Presented to the University of Waterloo in Fulfilment of the Thesis Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy in Accounting. Waterloo, Ontario, Canada.
- ۳۳- Versano, T., and Brett Trueman. (۲۰۱۷). Expectations Management. *The Accounting Review*: September ۲۰۱۷, Vol. ۹۲, No. ۵, pp. ۲۲۷-۲۴۶.
- ۳۴- Wallace, N.D., Xie, B. and W. Xu. (۲۰۰۴). Market Reaction to Voluntary Announcements of Audit Committee Appointments: The Effect of Financial Expertise. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. ۴۲, No. ۱, Pp. ۲۲۰-۲۹۴.
- ۳۵- William, J.K., Byung, T.R. and I. Suk. (۲۰۱۱). Consistency in Meeting or Beating Earnings Expectations and Management Earnings Forecasts. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۵۱, No. ۱-۲, Pp. ۳۷-۵۷.
- ۳۶- Zhu Liu, A. (۲۰۱۴). Can External Monitoring Affect Corporate Financial Reporting and Disclosure? Evidence From Earnings and Expectations Management. *Accounting Horizons*, Vol. ۲۸, No. ۳, Pp. ۵۲۹-۵۵۹.
- in the Face of An Earnings Surprise. *The Accounting Review*, Vol. ۷۰, No. ۱, Pp. ۱۱۳-۱۳۴.
- ۲۲- Kasznik, R. and M. McNichols. (۲۰۰۲). Does Meeting Expectations Matter? Evidence From Analyst Forecast Revisions and Share Prices. *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۰, No. ۳, Pp. ۷۲۷-۷۵۹.
- ۲۳- Kim, Y. and M.S. Park. (۲۰۱۲). Are All Management Earnings Forecasts Created Equal? Expectations Management Versus Communication. *Review of Accounting Studies*. Vol. ۱۷, No. ۴, Pp. ۸۰۷-۸۴۷.
- ۲۴- Koh, K., Matsumoto, D.A. and S. Rajgopal. (۲۰۰۸). Meeting or Beating Analyst Expectations in the Post-Scandals World: Changes in Stock Market Rewards and Managerial Actions. *Contemporary Accounting Research*, Vol. ۲۵, No. ۴, Pp. ۱۰۶۷-۱۰۹۸.
- ۲۵- Krishnan, G.V. and G. Visvanathan. (۲۰۰۸). Does the SOX Definition of an Accounting Expert Matter? The Association Between Audit Committee Directors' Accounting Expertise and Accounting Conservatism. *Contemporary Accounting Research*, Vol. ۲۵, No. ۳, Pp. ۸۲۷-۸۵۷.
- ۲۶- Libby, R., Hutton, J., Tan, H. and N. Seybert. (۲۰۰۸). Relationship incentives and the optimistic/pessimistic patterns in analysts' forecasts. *J. Account. Res.* ۴۶(۱), ۱۷۳-۱۹۸.
- ۲۷- Lin, J.W. and M.I. Hwang. (۲۰۱۰). Audit Quality, Corporate Governance, and Earnings Management: A Meta-Analysis. *International Journal of Auditing*, Vol. ۱۴, No. ۱, Pp. ۵۷-۷۷.
- ۲۸- Liu, M.H.C. and Z. Zhuang. (۲۰۱۱). Management Earnings Forecasts and the Quality of Analysts' Forecasts: The Moderating Effect of Audit Committees. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*. Vol. ۷, Pp. ۳۱-۴۵.
- ۲۹- Liu, M.H.C., Tiras, S.L. and Z. Zhuang. (۲۰۱۴). Audit Committee Accounting